

آقای خیابانی دیده شدن به چه قیمت؟

پرگویی آفت است کم‌گوی و گزیده

رسانه ملی جای پرز احساسات شخصی نیست، اما اتفاقات اخیر نشان داد خیلی‌ها به این مهم پایبند نیستند و تمام دلخوری‌ها و ناراحتی‌های شخصی خود را در قالب کلمات و جملات بیان می‌کنند، بی آنکه متوجه تأثیر آن بر احساسات جامعه باشند. مردم قرار نیست شنونده احساسات شخصی ما باشند که هر زمان حالمان خوب بود و از مسئله‌ای خوشحال و راضی بودیم، خوشی را بگوئیم و هر زمان که دلخور شدیم، چشم‌پبندیم و آن را به زشت‌ترین شکل ممکن توصیف کنیم، رویه‌ای که خیابانی این روزها در قبال فوتبال در پیش گرفته است. همان فوتبالی که پله شد برای ترقی او، اما امروز به هزار و یک دلیلی که کمتر کسی می‌داند، آن را با وام گرفتن از کتاب‌های جامعه‌شناختی که خوانده به یاد زشت‌ترین انتقادهای گرفته است.

خیابانی‌ها هر چه که دارد از فوتبال است، اما با وجود آنکه سر شاخه نشسته، بیخش را می‌برد! رفتار او این تصور را ایجاد می‌کند که شاید کسی، جایی سراو را در فوتبال کلاه گذاشته که اینگونه کینه‌توزانه درصدد تخریب آن برآمده است. شاید اگر همان روز که اسطوره‌ای چون دهداری را زیر سؤال برد گوشش را پیچانده بودند، امروز اینگونه جامعه فوتبال و تک‌تک آدم‌های آن را زیر سؤال نمی‌برد! باورش سخت است و دشوار، اما خیابانیی تریبون که دستش می‌آید کوچک‌ترین فرصتی را برای زدن فوتبال و فوتبالیست‌جماعت از دست نمی‌دهد. او در تازه‌ترین افاضات خود حراحتاً گفته آدمی که عادت به رفتارهای اجتماعی داشته باشد به‌عنوان یک انسان پاک، فوتبالیست نمی‌شود، چرا که در فضای رقابتی فوتبال

نمی‌توان سالم بود و باید یکسری افراد غیرسالم هم در کنارت باشند! صحبت‌هایی که بیشتر به واکنشی کینه‌توزانه می‌ماند تا تحلیلی جامعه‌شناختی، اما ناآوارانه‌تر اینکه او با وجود سال‌ها حضور در عرصه فوتبال، هنوز معنا و مفهوم تاکتیک و تکنیک را نمی‌داند و آن را فریب می‌داند: «در رختکن به بازیکنان آموزش می‌دهند که کلک بزنند! اینکه جوانمردانه نیست؟ ورزش انصاف و جوانمردی نیست! ورزش یعنی دوومیدانی، چون تو می‌دوی و دیگران هم می‌دوند، هر کس بهتر دويد برنده می‌شود! ولی فوتبال، بسکتبال، کشتی و اینها فریب است و فریب دادن یا همان تاکتیک، یعنی ناچوانمردی!» البته جامعه عادت دارد به شنیدن جملات قصار و اشتباهات وحشتناک خیابانی حین گزارش فوتبال، اما ظاهراً او مسیرش را تغییر داده و در همین مسیر جدید هم به بیراهه رفته؛ چه زمانی که تصمیم به ساختن مستندهای فوتبالی گرفت و بدون هیچ شرمی از خجالت دهداری درآمد و چه

حالا که تا تریسون پیدا می‌کند، چون افراد بی‌سوادی که چیزی از فوتبالت نمی‌دانند و هنوز تصور می‌کنند ۲۱ نفر دنبال یک توپ می‌دوند، جملاتی از دهانش خارج می‌شود که در قوطی هیچ عطاری یافت نمی‌شود. شاید چون دیگر این تنها راهی است که می‌تواند او را چند روزی سر زبان‌ها بیندازد، اما دیده شدن به چه قیمت؟ تردیدی نیست که فوتبال هم مثل هر حوزه دیگری در جامعه و ورزش اشکالات، ایرادها و فسادهایی دارد و اصحاب رسانه، کارشناسان و پیشکسوتان نیز بارها و بارها در وقت لزوم بدان پرداخته‌اند، اما آنچه خیابانی به زبان می‌آورد صرفاً توهین به کل جامعه فوتبال است، نه انتقاد از فسادهای آن. اما کاش قیبل از آنکه بدون تفکر هر آنچه که به ذهنش می‌رسد را به زبان بیاورد، به این نکته مهم توجه می‌کرد که درآمد او سالیان سال است که از همین فوتبال به دست آمده است. همین فوتبالی که حاضر به دل‌کنند از آن نیست که اگر، حتماً باید این روزها در گوشه‌های دنج، کسب و کار

دیگری را دنبال می‌کرد، اما هم از این سفرهای که پهن است سهم برمی‌دارد و هم آن را زیر سؤال می‌برد، به همین دلیل هم هست که بسیاری در واکنش به صحبت‌های او می‌گویند تکلیف خیابانیی مشخص است! البته دست به توجیه این آقا هم خوب است! خیابانی این بار هم مثل همیشه خوب که با انتقادهای تند و تیز مواجه شد، سعی کرد حرفش را عوض کند و گفت آنچه به زبان آورده نه نظر شخصی او که نظر ماتر یالیست‌ها بوده است: «من فقط گفتم از نظر دیدگاه جامعه‌شناسی، ماتر یالیست‌ها چنین نگاهی به فوتبال دارند. این نظر ماتر یالیست‌هاست. تا حالا چه کسی نظریه ماتر یالیست‌ها را قبول کرده که من قبول کنم؟» اما آیا توصیه به خانواده‌ها در مورد اینکه اجازه ندهند فرزندانشان فوتبالیست شوند هم نظر ماتر یالیست‌ها بوده است؟ حالا که او با ضرب‌المثل کم‌گوی و گزیده‌گوی چون دُر آشنا نیست، بهتر است کسی به او یادآور شود که پرگویی آفت سخن است.

یادداشتششبیوانوروزی

سناریوهای داخلی برای ویزای جام جهانی

از وقتی مشخص شده هر سه بازی مادر جام جهانی در امریکا برگزار خواهد شد، گمانه‌زنی‌ها در خصوص صدور یا عدم صدور ویزای اعضای تیم‌ملی افزایش یافته؛ البته میزبان خیلی توضیحی در این مورد نمی‌دهد و فقط حرف از بررسی مدارک زده است، ولی در داخل کشور تا دلتان بخواد همه حرف می‌زنند، اظهار نظر می‌کنند و سناریوی جدید ارائه می‌دهند، آن هم برای موضوعی که اطلاعات کافی از آن نداریم و فدراسیون هم مثل همیشه اعتقادی به شفاف‌سازی ندارد. تصمیمات ترامپ باعث شده گرفتن ویزای امریکا برای مردم بسیاری از کشورها سخت‌تر از قبل شود. در این بین وزارت امور خارجه امریکا تأکید کرده سخت‌گیری‌ها برای صدور ویزای برخی کشورهای حاضر در جام جهانی ۲۰۲۶ ادامه خواهد داشت. در مورد مراسم قرعه‌کشی نیز همین شرایط حاکم بود، ولی در نهایت سه نماینده کشورمان بدون مشکل در مراسم حضور داشتند و سرمرپی نیز در جلسات ویژه فیفا شرکت کرد. حالا مانده خود جام جهانی که باید دید امریکایی‌ها تا چه اندازه تصمیمات سیاسی‌شان را در فوتبال و این تورنمنت مهم دخالت می‌دهند. با اینکه فعلاً پروسه صدور ویزا برای لیست نهایی تیم‌ها شروع نشده، ولی محافل خبری داخلی و فضای مجازی پر از حدس و گمان‌هایی است که در مورد ویزای برخی نفرت زده می‌شود. تنها نکته روشن ماجرا قولی است که اینفانتینو به ایرانی‌ها داده و اینکه اعضای تیم مشکلی برای اعزام نخواهند داشت. اگر چه ادعای رئیس فیفا نیز فعلاً در حد وعده و قول است و باید منتظر نهایی شدن آن باشیم، ولی در حال حاضر اینفانتینو تنها کسی است که واضح در مورد ویزای تیم کشورمان صحبت کرده است. البته رئیس فدراسیون هم چند باری جسته و گریخته حرف‌هایی در مورد سفر به گمانه‌زنی‌ها، ولی حرف‌های مهدی تاج مثل همیشه مبهم بوده و بدتر به شایعات دامن زده است. مطرح شدن نفرت جایگزین برای برخی بازیکنان را هم اولین‌بار خود رئیس مطرح کرد. داشتن پلن دوم برای بروز هر گونه مشکل و چالشی نوعی آینده‌نگری است، ولی رسانهای کردن آن و انداختن نام چند بازیکن سر زبان‌ها، به‌ویژه وقتی خبری از شفاف‌سازی نیست، یک نوع حاشیه‌سازی داخلی است. بیش از همه روی اسم مهدی طارمی مانور داده می‌شود و رسانه‌های مختلف اخبار ضدونقیض خود را منتشر می‌کنند. جدا از حاشیه‌ای که این لژیونر اخیراً در تیم ملی ایجاد کرد، همه می‌دانیم طارمی تا چند ماه پیش عضو تیم اینترمیلان بود و تیم ایتالیایی سفری به امریکا داشت. طارمی به خاطر وضعیت خاص کشور در آن برهه نتوانست اینتر را در جام جهانی باشگاه‌ها همراهی کند. حالا بحث اینجاست که طارمی برای آن سفر ویزا داشته و به امریکا رفته یا همان زمان نیز موفق به گرفتن ویزا نشده است. این مسئله پیچیده‌ای نیست و طبیعتاً هم طارمی از آن مطلع است و هم فدراسیون. جادار د مهدی تاج به جای اظهارات مبهم، خیلی واضح بگوید طارمی تابستان ویزای امریکا را گرفته یا خیر. ضمن اینکه مشخص شود فدراسیون نگران صادر نشدن ویزا برای اعضای تیم است یا هم‌راهان.

کشور میزبان خودش استاد حاشیه‌سازی است و اصلانیزای نیست در داخل کشور با مصاحبه‌های مختلف و مطرح کردن سناریوهای متفاوت، کار را برای تیم‌ملی سخت‌تر کنیم. اینکه از حالا بگوئیم میزبان به ما ویزا نمی‌دهد، نوعی عقب‌نشینی است و به جای این کارها باید پیگیری‌ها از طریق فیفا را ادامه دهیم. با توجه به سیاست‌های ترامپ و همفکرانش، فیفا به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد فوتبال جهان، باید از حق و حقوق تیم‌های کم‌برده به جام جهانی حمایت کند و اینفانتینو نیز پای قولش بماند. بهتر است تا وقتی اخبار رسمی و قابل استناد منتشر نشده، فدراسیون خیلی روی این قضیه مانور ندهد و بستر را برای مطرح شدن شایعات جدید فراهم نسازد.

هدایت فوتبال به سمت ترک عادت‌های خوب

نگاهشسیم رضوان

اتفاقات رخ داده در پایان دیدار پرسپولیس - آلمونیموم نشان داد بیش از سکوها و لیدرها باید نگران رفتار و گفتار افرادی باشیم که به عنوان مسئول و با‌ای‌دی کارت در کنار زمین تردد دارند. مسئولانی که وظیفه ایجاد نظم و آرامش را دارند، اما عدم تسلط به احساسات و شاید هم عدم داشتن تجربه کافی باعث می‌شود خود آغازکننده حاشیه باشند یا دلیل تحریک سکوها. کافی بود آنچه در پایان دیدار پرسپولیس - آلمونیموم اراک رخ داد، در جریان این مسابقه رخ می‌داد، آن وقت دیگر کنترل سکوها کار آسانی نبود! درست در روزهایی که ایجاد حفظ نظم و آرامش روی سکوهای هواداری به اصلی‌ترین دغدغه دستداران این رشته پرط‌فدار تبدیل شده، رفتار اصری، سرپرست تیم فوتبال آلمونیموم همه را متعجب کرد. در پایان این بازی، وقتی سروش رفیعی برای دست دادن و خسته نباشید گفتن به سمت نیمکت حریف می‌رود، درگیری لفظی بین او و سرپرست تیم میهمان صورت می‌گیرد و اصری او را هل می‌دهد. البته داستان با دخالت به موقع افشین پیروانی، مدیر تیم فوتبال پرسپولیس و دیگر نیمکت‌نشینان آلمونیموم و پرسپولیس حل و فصل می‌شود، اما سؤال اینجاست چطور سرپرستی که باید درصدد آرام کردن اوضاع و جو باشد خود هیزم زیر آتش می‌زند؟ برخی نیمکت‌نشینان آلمونیموم مدعی هستند که رفیعی در ادامه ک‌ری‌هایی که با کاپیتان تیم میهمان داشته در پایان بازی به سمت نیمکت آنها رفته و گفته به او بگوید در حدی نیست که با من کل کل کند و همین مسئله کار را به درگیری کشانده است. البته نمی‌توان احتمال رخ دادن چنین اتفاقی را هم رد کرد، اما بی‌تردید همانطور که پیروانی، مدیر پرسپولیس نیز می‌گوید، انتظار رفت سرپرست آلمونیموم با چیره شدن بر احساسات خود، برخورد معقولی بروز دهد: «ما به عنوان بزرگ‌ترهای تیم نباید اجازه مشتج شدن جو را بدهیم. سروش عادت دارد بعد از بازی به سمت نیمکت حریف می‌رود و خسته نباشید می‌گوید، اما از او خواهش می‌کنم دیگر سمت نیمکت هیچ تیمی نرود.» سرپرست آلمونیموم که حالا به واسطه این اتفاق همه او را می‌شناسند با کنایه به خبرنگاران می‌گوید برخی فقط از پشت دوربین با ادب هستند و توضیح دیگری نمی‌دهد! اما چرا باید مسئولی که خود وظیفه ایجاد آرامش را دارد، شرایطی را فراهم کند که به بازیکن حریف توصیه شود دیگر سمت هیچ نیمکتی نرود برای دست دادن و خسته نباشید گفتن. آیا قرار است صرفاً به دلیل ناتوانی برخی مسئولان در کنترل احساساتشان شاهد از بین رفتن خصلت‌ها و عادت‌های خوب فوتبال باشیم؟!



این روزها تا دلتان بخواد از باشگاه استقلال خبر می‌رسد. این روزها تا دلتان بخواد باشگاه استقلال و سرپرست مدبرعاملی آن مشغول هستند تا خودشان را فعال نشان دهند، از ثبت قرارداد با بازیکن ۴۰ ساله بسکتبال گرفته تا تشکیل شورای عالی حقوقی! تمام این امور هم با سروصدای زیاد انجام می‌شود تا همه متوجه شوند. اما درست در همین روزها خبرهای عجیب و غریب دیگری هم از استقلال به گوش می‌رسد که برخلاف اخبار بالاچندان به آنها توجهی نمی‌شود، مثل خبر ثبت غیرقانونی قرارداد ماشاریوف که هنوز کسی به درستی نمی‌داند چگونه و با وجود بسته بودن پنجره نقل و انتقالاتی استقلال انجام شده است. اقدام سازمان لیگ در ثبت قرارداد ماشاریوف بدون استعلام از مراجع حقوقی و فیفا، خطر بزرگی را برای فدراسیون فوتبال و باشگاه استقلال ایجاد می‌کند. اتفاقی که در صورت غیرقانونی بودن آن می‌تواند فاجعهای بزرگ برای استقلال در لیگ داخلی و آسیا ایجاد کند. در صورت غیرقانونی بودن – که شواهد چنین موضوعی را نشان می‌دهد – اگر تیم‌های رقیب دست به شکایت از باشگاه استقلال به فیفا بزنند، علاوه بر ۳ بر صفر شدن بازی‌های این تیم، فدراسیون فوتبال نیز با



از ثبت ماشاریوف تا فسخ اندونگ

شومن‌های استقلال چکار می‌کنند؟

حاشیهفریدون حسن

ادعای ژابی پس از بقا روی نیمکت

اتحاد در رئال موج می‌زند

فوتبال اروپاشافرش رامین

من یک پنالتی کاملاً واضح بود. وینی خیلی سریع در حال حرکت بود، بین دو بازیکن تماس وجود داشت و واقعاً تعجب می‌کنم که حتی VAR هم مداخله نکرد. با این حال، این اتفاقات ما را غافلگیر نمی‌کند. باید به کار خودمان ادامه بدهیم.»

اگر چه سرمربی رئال در نشست‌های خبری تلاش می‌کند شرایط را عادی جلوه دهد، ولی آونسو قطعاً شایعات در مورد برکناری احتمالی و گزینه‌های جانشینی‌اش را شنیده است: «به ثبات و نظم نیاز داریم. اینجا لالیگاست و اگر این بازی به ما کمک کند که یاد بگیریم، نباید آن را فراموش کنیم. کاملاً روی عملکرد خودمان متمرکز هستیم. اتحاد در تیم موج می‌زند و هر سه روز برای یک بازی آماده می‌شویم. این پیروزی مهم بود، چون با غایبان زیادی و چندین بازیکن محروم وارد این بازی شدیم. همه ما با هم هستیم. حالاً نوبت گوبالد‌ری است و بعد بازی خانگی مقابل سویا راهی طولانی در پیش است. ما همه با هم هستیم؛ چه زمان برد و چه زمان باخت. تیم با توجه به شرایط خیلی خوب رقابت کرد. اتحاد، یک رکن اساسی است. تنها راهی است که تلاش روزانه ما را به پیشرفتی که می‌خواهیم می‌رساند.»

بازیکنان کهکشانی با چنگ و دندان از برد شکننده خود در زمین الاوس دفاع کردند تا هر طور شده ژابی آونسو روی نیمکت رئال مادرید باقی بماند. بعد از دو شکست پی‌درپی و بحرانی‌تر شدن اوضاع، دست پر خارج شدن از ورزشگاه مندی‌زوروترا تنها راه نجات سفیدپوشان و البته سرمربی ۴۴ ساله این تیم بود. رئالی‌ها در هشت بازی اخیر خود فقط دو بار طعم برد را چشیده بودند و سه امتیاز جدال با آلاوس کام کهکشانی‌ها را شیرین کرد. ژابی این برد را مدیون امپابه و رودریگو است؛ البته رئالی‌ها معتقد بودند داور خطای مسلمی که روی وینیس‌سوس رخ داده را نگرفته و در غیر این صورت شاگردان آونسو فرصت زدن یک گل دیگر را هم داشتند. سخته‌های رئال در این بازی روی فرم بودند؛ امپابه تعداد گل‌هایش در این فصل را به عدد ۱۷ رساند، رودریگو برزیلی برخلاف دیدارهای قبلی، در دو بازی با سسیتی و آلاوس فیکس بود در هر دو بازی نیز گلزنی کرد و وینی نیز به‌رغم تعویض در دقایق پایانی مسابقه اعتراضی به سرمربی نکرد. سرمربی رئال بدون اینکه اشاهای به داور کند، از سوخته شدن یک پنالتی تیمش انتقاد کرد: «بازی سخت و رقابتی بود. خیلی خوب شروع کردیم و به گل رسیدیم، اما بعد از آن کنترل بازی را از دست دادیم، به نظر